

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۷

## معرفی نسخه خطی مجمع الشعرا و شاعران ناشناخته آن<sup>۱</sup>

لیلا باقری<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

دکتر قربانعلی ابراهیمی<sup>۳</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

دکتر مرتضی رشیدی آشجردی<sup>۴</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

### چکیده

نسخه‌های خطی گنجینه‌های ارزشمندی است که از جایگاه ویژه‌ای در معرفی و حفظ فرهنگ و تمدن هر کشوری برخوردار است؛ زیرا این نسخ به‌طور مستقیم نشان‌دهنده اندیشه و دیدگاه حاکم بر یک ملت و قوم در ابعاد مختلف است. یکی از این گنجینه‌ها نسخه خطی مجمع الشعرا اثر امیر رستم خوریانی متعلق به قرن نهم هجری است و شامل ۲۵۸۰۰ بیت از شعر شعرا بر اساس حروف الفباست و به‌صورت تک‌نسخه در کتابخانه مجلس به شماره نسخه ۵۳۰ نگهداری می‌شود. این نسخه به‌صورت جُنگ بوده و دربردارنده اشعار بسیاری از شاعران شناخته‌شده و ناشناخته ادب فارسی است. در

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۶

۱ تاریخ وصول: ۹۷/۶/۲۷

leilabagheri2776@gmail.com<sup>۲</sup>

ghorbanali.ebrahimi333@gmail.com<sup>۳</sup>

mortezarashidi51@yahoo.com<sup>۴</sup>

مجموع‌الشعرا که در دوره تیموری کتابت شده، از بیش از ۴۴ شاعر، اشعاری آورده شده است. برخی از این شاعران همچون ناصر خسرو، کمال‌الدین اسماعیل، خاقانی، عطار، مولانا، سعدی، حافظ، خواجه کرمانی و... کاملاً شناخته شده‌اند و دیوان اشعار آنها تصحیح شده و برخی همچون ناصر بخاری، کاتبی، بساطی، خیالی، مغربی و... کمتر شناخته شده‌اند که دیوان عده‌ای از آنها تصحیح شده و از دیوان برخی دیگر از شاعران، اشعاری به صورت پراکنده باقی مانده است. در نهایت برخی همچون کمال هاشمی و قانی کاملاً ناشناخته مانده‌اند که ظاهراً دیوان اشعار هیچ کدامشان تصحیح نشده است. بنابراین، تصحیح این نسخه از جهت شناخت شاعران کمتر شناخته شده یا شاعران ناشناخته، بسیار حائز اهمیت است.

## واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، مجمع‌الشعرا، رستم خوریانی، تصحیح انتقادی، معرفی شاعران.

### ۱. مقدمه

نسخه‌های خطی گنجینه‌هایی هستند که در برگ‌برگ خود، چکیده تجربیات بشر را ذخیره کرده و نشان‌دهنده ارزش‌ها و باورهای نیاکان ما در گذشته هستند. زبان و ادبیات فارسی همواره با حضور شاعران و نویسندگان بزرگ در ادوار مختلف تاریخی مفتخر بوده است؛ زیرا شاعران و نویسندگانی که با نگاشتن آثار بی‌نظیر خود نه تنها پرچمدار فرهنگ و ادب این مرزوبوم‌اند، بلکه تألیفات آنها سندهای موثقی است که بر اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی ایران در اعصار مختلف صیحه می‌گذارد. این آثار چه در حوزه ادبی در سِلک تقریر درآمده باشد و چه در شاخه‌های مختلف علوم دیگر، آینه‌ای هستند تمام‌نما که پیشرفت‌های پیشینیان در قرون گذشته و سطح علمی مؤلفان خود را نمایان می‌سازند.

نسخه‌های خطی میراث گران‌قدر و ارزشمند نیاکان ماست که در گذر زمان قبل و بعد از اسلام سرنوشت غم‌باری داشته است. حملات خارجی، نبرد مدعیان و قدرت داخلی، تعصبات مذهبی و عوامل طبیعی هزاران هزار نسخه خطی را از بین برده است؛ به گونه‌ای که از آن‌ها جز مواردی حتی نام نیز باقی نمانده است. بر همگان آشکار است که نسخ خطی فارسی از دو جهت اهمیت فراوانی برای پژوهشگران دارد: ۱. حفظ این آثار سبب انتقال اطلاعات نهفته در محتویات کتاب فراخور موضوعی که در آن نگارش یافته می‌شوند. ۲. گویای ویژگی‌های نظم رواج داشته در ادوار ادبی ایران است. در میان نسخه‌های خطی، جنگ‌ها مجموعه‌های بسیار کمیابی هستند که بسیاری از اشعار و آثاری را که شاید در جای دیگر به صورت مستقل یافت نشود، محفوظ نگاه داشته است. «جنگ‌ها (بیاض‌ها) ارتباط تنگاتنگی با تذکره‌ها دارند و جز آنکه منبع بسیاری از این کتاب‌ها هستند، گاه خود مقدمه‌ای برای تذکره‌نویسی نویسنده آن بیاض‌اند» (شفیعیون، ۱۳۹۳: ۸۹). جنگ‌ها یکی از ارزشمندترین میراث مکتوب محسوب می‌شوند و به این سبب «جنگ‌پژوهی یکی از ضرورت‌های فرهنگی و تحقیقی ما به شمار می‌آید و تا این سفینه‌های ارجمند و دریای معلومات نهفته در آن مورد شناسایی و تحلیل علمی قرار نگیرد، هر کوششی به منظور شناخت دقیق و جامع از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران، کژی و کاستی خواهد داشت» (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۴). ضرورت تصحیح نسخه‌های خطی، به ویژه جنگ‌ها، ما را با آثاری ارزشمند آشنا می‌سازد که در بردارنده نکات زبانی، ادبی و تاریخی است. گفتنی است تصحیح متون به صورت علمی در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و «از سده سوم هجری آغاز شده و در طول قرن‌های متمادی تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است» (مایل‌هروی، ۱۳۸۰: ۳۸۴). باید گفت جنگ‌ها حاوی اطلاعات ارزشمند و مفیدی هستند که ویژگی‌های فکری و فرهنگی یک قوم یا ملت را برجسته می‌کنند.

### ۱-۱. بیان مسئله

یکی از جُنگ‌هایی که در سیر و گذشت زمان گمنام باقی مانده، مجمع‌الشعرا از سالار نامی است که می‌گویند این جُنگ متعلق به خواجه رستم خوریانی بسطامی متخلص به رستم است. این نسخه به نظر می‌رسد متعلق به قرن نهم باشد و شامل مجموعه‌ای از شعر شعرا بر اساس حروف الفباست که نام شاعر هر شعر قبل از آن به رنگ قرمز و سیاه نوشته شده است. در این جُنگ، از اشعار بیش از چهل شاعر استفاده شده و به صورت تک‌نسخه در کتابخانه مجلس به شماره نسخه ۵۳۰ موجود می‌باشد که به خط نستعلیق نوشته شده است (درایتی، ۱۳۸۶: ۱۶۲). این نسخه خطی از خواجه حسام‌الدین رستم خوریانی از شعرا و رجال معروف اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری بوده که مولد او خوریان از روستاهای بسطام است؛ به همین سبب گاه به خوریانی و گاه به بسطامی معروف است. وی در اشعارش رستم تخلص کرده است. خواجه را در مدت حیات، اشعار بسیار و قصاید و غزلیات و مقطعات بی‌شمار است که زیاده بر چهار هزار بیت است. او با شاعران قرن هشتم و با آثار استادان مقدم بر خود آشنایی کامل داشته و فنون ادب را به حد کفایت می‌دانسته (صفا، ۱۳۶۶: ۲۲۲).

در فهرست نسخ خطی ایران درباره نسخه خطی مجمع‌الشعرا آمده است: «این کتاب، جز [تذکره] مجمع‌الشعرا کاتب الملک سلطان بایزید دوری از قرن ۱۱ است» (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۲۸: ۲۵۹ و ۲۶۰). گفتنی است علاوه بر این دو مجمع‌الشعرا یک نسخه خطی دیگر با همین نام از نویسندگانی گمنام موجود است که این نسخه مذکور، مجموعه تک‌بیت‌هایی است که به ترتیب حروف قافیه به منظور مشاعره گردآوری شده و نسخه‌ای با شماره ۱۲۹۸ از آن موجود است (همان: ۲۶۰). از آنجا که نسخ خطی از جمله منابع مهم فرهنگی، ادبی در زبان و ادبیات فارسی است که در گوشه‌کنار خانه‌ها و کتابخانه‌ها متروک مانده و تلاش برای زنده کردن این آثار، از این جهت مهم است که می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های ادبی

آیندگان باشد. این پژوهش ضمن بررسی و نقد کتاب بررسی و تحقیق مجمع‌الشعرا اثر امیر رستم خوریانی و اشاره به ضعف‌ها و کاستی‌های این تصحیح، به معرفی و شناسایی علمی این جنگ ارزشمند می‌پردازد تا ویژگی‌های این اثر را آشکار کند.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی و تحقیق مجمع‌الشعرا اثر امیر رستم خوریانی، تصحیح منیره مسیبی در آذر ۱۳۹۵ دفاع گردیده که در جلسه دفاع، داوران، شورای گروه، مدیر گروه و استاد راهنما آن را غیرعلمی و غیرپژوهشی دانسته و آن را نیازمند تصحیح مجدد علمی دانسته‌اند. برخی از اشکالات این تصحیح به شرح زیر است:

عمده‌ترین اشکال در تصحیح، بی‌دقتی و خوانش نادرست اشعار است که نمونه‌هایش در ادامه ذکر شده است. دیگر آنکه اشعار شاعری به شاعری دیگر نسبت داده شده که مسلماً غلط است. برای نمونه به نقد چند رباعی از صفحه اول کتاب مجمع‌الشعرا تصحیح منیره مسیبی پرداخته می‌شود:

ص ۲۸ رباعی ۱

عطار

گر شرح نمی‌دهم که حالم چونست      یا از لب تو مرا چه درد افزونست  
پیدا است ز دست خنده من که تو را      با این لب خندان چه دلی پر خونست

این رباعی در صفحه ۵۷۲ دیوان انوری چاپ نفیسی آمده و از عطار نیست. ضمناً مصراع دوم ایراد وزنی دارد و کلمه «روز» بعد از «درد» جا افتاده است. همچنین رباعی در چاپ نفیسی بدین شکل آمده است:

گر شرح نمی‌دهم که حالم چونست      یا از تو مرا چه درد روز افزونست  
پیدا است چو روز نزد هر کس که مرا      با این لب خندان چه دل پر خونست

ص ۲۸ رباعی ۲

عطار

چون دیده فروریخت رخ بینایی      وز دل اثری نماند جز رسوایی  
ای جان تو چه می‌کنی چرا برنایی      نیکو سروکاریست تو درمی‌بایی

این رباعی در ص ۶۱۲ دیوان انوری، چاپ نفیسی آمده و از عطار نیست. مصحح در مصراع اول کلمه «به رخ» را به صورت «رخ» نوشته است.

چون دیده فروریخت به رخ بینایی      وز دل اثری نماند جز رسوایی  
ای جان تو چه می‌کنی؟ چرا برنایی؟      یاد آیدم از فراق‌ت ای بینایی

ص ۲۸ رباعی ۳

عطار

دل درخور صحبت دل‌افروز نبود      زان بر من مستمند پیروز نبود  
زان شب که برفت و گفت خوش باد شبت      هرگز شتب محنت مرا روز نبود

این رباعی در ص ۵۸۵ دیوان انوری، چاپ نفیسی و در صفحه ۲۴۴ کتاب مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری) دکتر شفیع کدکنی آمده است و از عطار نیست. مصحح، کلمه «شب» در مصراع چهارم را به صورت «شتب» آورده که کاملاً اشتباه و وزن شعر را مختل کرده است. همچنین رباعی در چاپ نفیسی و شفیع کدکنی بدین شکل آمده است:

دل درخور صحبت دل‌افروز نبود      زان بر من دل‌سوخته دل‌سوز نبود  
زان شب که برفت و گفت خوش باد شبت      هرگز شب هجران مرا روز نبود

ص ۲۸ رباعی ۴

عطار

... غم‌اندوخته‌تر زین که منم      با درد تو آموخته‌تر زین که منم  
... به عشق در پخته‌هنوز      خامی چه کنی سوخته‌تر زین که منم

این رباعی در ص ۵۹۹ دیوان انوری چاپ نفیسی آمده و از عطار نیست. در تصحیح مسیبی به دلیل افتادگی نسخه، اول بیت ذکر نشده ولی شکل کامل آن در چاپ نفیسی بدین صورت است:

کس نیست غم‌اندوخته‌تر زین که منم	با درد دل‌آموخته‌تر زین که منم
گفتا که نئی به عشق در پخته هنوز	خامی چه کنی سوخته‌تر زین که منم

ص ۲۸ رباعی ۵

عطار

... گفتم گرد بلا می‌پویی	بنشین که نه مرد عشق آن مه‌رویی
... ز خواب دیر بیدار شدی	چرخ است و رسن بر او کنون می‌گویی

این رباعی در ص ۶۱۲ دیوان انوری چاپ نفیسی آمده و از عطار نیست. مصحح در مصراع چهارم فعل «برو» (شاید هم نرو) را به صورت «بر او» خوانده که بی‌معناست. ضمن اینکه در تصحیح مسیبی به دلیل افتادگی نسخه، اول بیت ذکر نشده ولی شکل کامل آن در چاپ نفیسی بدین صورت است:

با دل گفتم گرد بلا می‌پویی	بنشین که نه مرد عشق آن مه‌رویی
دل گفت ز خواب دیر بیدار شدی	چرخ است و رسن، برو، کنون می‌جویی

ص ۲۸ رباعی ۷

عطار

... کز مروت آیین نکنند	زیشان نه پس اینک بخل را دین نکنند
... آنک به نظم و شعر احسان کردند	امروز همی به سحر تحسین نکنند

این رباعی در ص ۵۸۵ دیوان انوری چاپ نفیسی آمده و از عطار نیست. مصحح در مصراع دوم کلمه «بس» را به صورت «پس» و «اینکه» را به صورت «اینک» نوشته که غلط است. در مصراع سوم هم «کردی» به صورت «کردند» نوشته شده که اشتباه است. ضمن

اینکه در تصحیح مسیبه به دلیل افتادگی نسخه، اول بیت ذکر نشده ولی شکل کامل آن در چاپ نفیسی بدین صورت است:

این طایفه کز مروت آیین نکنند      زیشان نه بس اینکه بخل را دین نکنند  
آن شد که همی به شعر احسان کردی      امروز همی به شعر تحسین نکنند

#### دیگر اشکالات

ص ۲۹، رباعی ۴، مصراع ۳

کلمه «جانت» به صورت «جایت» آمده که مسلماً غلط است.

دل سیر نگرددت ز بیدادگری      چشم آب نگیردت چو در من نگری  
وین طرفه که دوستر ز جایتم دارم      با آنک ز صد هزار دشمن بتری

ص ۲۹، رباعی ۵، مصراع ۲

کلمه «که» به صورت «کته» و «جود» به صورت «جتود» آمده که اشتباه چاپی یا تایپی صورت گرفته است.

کسری که کمان عدل او کرد بزه      حاتم کته ز بند جتود بگشاد گره  
رستم که به گرز خود کردی چو زره      پیروز شه طغان تگین از همه به

#### ۲. معرفی جُنْگِ مجمع الشعرا

مجموعه مجمع الشعرا جُنْگی است که در آن از بیش از ۴۴ شاعر، اشعاری آورده شده است. برخی از این شاعران شهرت فراوانی دارند و در زمره شاعران شناخته شده‌اند و دیوان اشعار آنها تصحیح شده است، مانند کمال‌الدین اسماعیل، خاقانی، ناصر خسرو، سعدی، عطار، مولانا، خواجوی کرمانی، حافظ و... . برخی همچون ناصر بخاری، کاتبی، بساطی، خیالی، مغربی و... کمتر شناخته شده‌اند که دیوان عده‌ای از آنها تصحیح شده و از دیوان بعضی



دیگر، فقط اشعاری به صورت پراکنده باقی مانده است. در نهایت برخی همچون کمال هاشمی و قانی کاملاً ناشناخته مانده‌اند که ظاهراً دیوان اشعار هیچ کدامشان تصحیح نشده است. بنابراین، تصحیح این نسخه از جهت شناخت شاعران کمترشناخته شده یا شاعران ناشناخته بسیار حائز اهمیت است. اسامی شاعران در بخش آغازین این نسخه خطی به ترتیب زیر است:

۱. آذری	۱۶. خواجه کرمانی	۳۱. عبید زاکانی
۲. ابن جلال	۱۷. خواجه عصمت بخاری	۳۲. عطار نیشابوری
۳. ابن یمین	۱۸. خیالی	۳۳. فخرالدین عراقی
۴. احمد بن اویس	۱۹. سعدی شیرازی	۳۴. کاتبی
۵. امیرحسن دهلوی	۲۰. سلمان ساوجی	۳۵. کمال اسماعیل
۶. امیرخسرو دهلوی	۲۱. سید رضا کیا	۳۶. کمال خجندی
۷. امیر رستم خوریانی	۲۲. سید شریف حروفی	۳۷. کمال شیرازی
۸. امیرشاهی	۲۳. سید قاسم انوار	۳۸. کمال هاشمی
۹. انوری	۲۴. شرف‌الدین رامی	۳۹. مغربی
۱۰. اوحدی مراغه‌ای	۲۵. شمس طبسی	۴۰. مولوی
۱۱. بساطی	۲۶. شمس‌الدین محمد تبریزی	۴۱. میرکرمانی
۱۲. جامی	۲۷. شیخ کمال خجندی	۴۲. ناصر بخاری
۱۳. حافظ شیرازی	۲۸. شیخ عماد فقیه	۴۳. ناصر خسرو
۱۴. خاقانی	۲۹. طوسی	۴۴. یحیی قانی
۱۵. خلوتی	۳۰. ظهیرالدین فاریابی	

شاعرانی چون کاتبی، قاسم انوار، عصمت بخاری، امیر شاهی، آذری، جامی، بساطی سمرقندی، خیالی و طوسی که در این جنگ آمده‌اند، مربوط به اوایل قرن نهم هجری‌اند که هم‌زمان با کتابت نسخه مجمع الشعرا، یعنی در عهد تیموری می‌زیسته‌اند. در آغاز عهد تیموری، چند شاعر و گوینده خوب به سر می‌بردند که روش آن‌ها دنباله کار شاعران اواخر

قرن هشتم است و دارای لحن و سبک نو و خاص بوده‌اند و از آثار آنان تازگی سبک سخن و اندیشه و ابداع مضامین آشکار است و تقلید از استادان سلف را عیب می‌شمردند. بیشترین اشعار ذکر شده در قسمت آغازین نسخه از امیر خسرو دهلوی و کمترین اشعار مربوط به یحیی قانی است. این نسخه منحصر به فرد که نزدیک به ۲۶ هزار بیت دارد، به شماره ۱۴۳۱۵ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. نسخه با چند رباعی از انوری ابیوردی که رباعی اول آن به شکل زیر ضبط شده است، آغاز می‌شود:

گر شرح نمی‌دهم که حالم چون است      یا از لب تو مرا چه درد افزون است  
 پیداست ز دست خنده من که تو را      با این لب خندان چه دلی پر خون است  
 (انوری، ۱۳۷۶: ۴۳۵)

گفتنی است در این مجموعه غنی، قالب‌های مختلف شعری همچون غزل، قصیده، مثنوی و رباعی وجود دارد؛ اما قالب غزل در مقایسه با سایر قوالب دیگر، بسامد بیشتری دارد. نام شاعران به رنگ قرمز، سبز و آبی و با خط نسخ نوشته شده است. در صفحات پایانی نسخه، ابیاتی با موضوع افکار و اندیشه شاعران مانند پند و موعظه، نعت پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نوشته شده است؛ مثلاً اشعاری با موضوع توحید از حافظ، یحیی قانی، کمال خجندی، خواجه عصمت و سید شریف حروفی و در موضوع نعت پیامبر اکرم (ص) اشعاری از کمال اسماعیل، ناصر بخاری، عطار، امیر خسرو دهلوی، امیر حسن دهلوی، خواجه سلمان و شرف رامی و همچنین در موضوع نعت امیرالمؤمنین (ع) اشعاری از کاتبی و عماد فقیه آمده است.

### ۳. رستم خوریانی

خواجه حسام‌الدین رستم خوریانی از شعرا و رجال معروف اوایل قرن نهم هجری بوده است. مولد او خوریان از روستاهای بسطام بود و به همین سبب گاه به خوریانی و گاه به

بسطامی معروف است. لقب او را تقی‌الدین کاشی «حسام‌الدین»، نوشته و استاد فقیه سعید نفیسی (نفیسی، ۱۳۴۴: ۲۹۷) (نظام‌الدین) ضبط کرده و دولت‌شاه (دولت‌شاه سمرقندی، ۸۹۲ق: ۴۲۱) مطلقاً ذکری از آن نکرده است، وی در اشعارش «رستم» تخلص می‌کرده، چنان‌که در نمونه‌های آثارش خواهید دید:

بر خاک آستان تو رستم نهاده روی      بیرون ز آب دیده ندارد توسلی

رستم خوریانی مانند چند تن از شاعران اوایل عهد تیموری از تربیت‌یافتگان قرن هشتم هجری است. از تاریخ ولادتش اطلاعی در دست نداریم؛ ولی چون به فحوای سخن دولت‌شاه (همان: ۴۲۲) هنگام شاعری در دستگاه شاهزاده عمر بن میرانشاه (۸۹ق) «پیرانه سال» بود، پس باید در حدود اواسط قرن هشتم یا اوایل نیمه دوم آن قرن به دنیا آمده باشد. ابن عمر بن میرانشاه، نواده تیمور است که به نظر می‌رسد خواجه رستم خوریانی، مدتی کوتاه در خدمت عمر بن میرانشاه گذرانده است. خوریانی بعد از روزگار عمر بن میرانشاه ۲۵ سال دیگر در قید حیات بود و مدت‌ها از این دوران و یا شاید همه آن را در خدمت شاهزاده دیگری از تیموری به نام الغ‌بیک به سر می‌برد که ممدوح اصلی و مسلم شاعر بوده و رستم در ستایش او قصاید متعدد سروده است (مسیبی، ۱۳۹۵: ۵۴). رستم خوریانی جزو ملازمان و ستایشگران او بوده و قصاید و ترکیب‌بندها و مقطعات متعدد در ستایش او یا بیان ارتباطی که با درگاه او داشت، سرود. او مدتی در خراسان و شاید در محل تولد خود، یعنی خوریان، بوده و سپس به بسطام رفت و همان‌جا بود که به قول تقی‌الدین در «شهور سنه اربع و ثلثین ثمان‌مائه» ۸۳۴ق (کاشی، ۱۳۸۴: ۳۴۷) بدرود حیات گفت. تقی‌الدین کاشی درباره کلیات آثارش چنین می‌نویسد: «خواجه را در مدت حیات، اشعار و قصاید و غزلیات و مقطعات بی‌شمار است که زیاده بر چهار هزار بیت بود» (همان: ۳۴۸) و متجاوز از ۸۰۰ بیت از این دیوان را تقی‌الدین در خلاصه‌الاشعار نقل کرده است. از نحوه سخن‌گویی رستم خوریانی آسان و معلوم است که او به رسم شاعران قرن ۸ و با آثار استادان مقدم بر خود آشنایی کافی داشته و فنون ادب را به حد کفایت می‌دانسته است.

این شاعر دارای اشعار مختلف از قصیده و ترکیب و مقطعات و غزلیات و رباعیات بوده است. در قصیده دنباله سبک خراسانی را دارد و روی هم غزلیاتش لطیف‌تر و دلاویزتر از باقی اشعار اوست. رستم به استقبال از غزل‌گویان بزرگ پیش از خود مانند جلال‌الدین محمد بلخی، سعدی و حافظ پرداخته است (صفا، ۱۳۶۶: ۲۲۱). همچنین باید این نکته را متذکر شد که این خواجه رستم خوریانی غیر از رستم خراسانی، رستم سمرقندی، رستم شیبانی، رستم قندهاری، رستم یزدی و دیگر رستم‌هایی است که نامشان در کتاب فرهنگ سخنوران عبدالرسول خیام‌پور آمده است (خیام‌پور، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۷۴). به عبارتی دیگر در تذکره‌ها و فرهنگ‌ها فقط از یک نفر با عنوان خواجه رستم خوریانی بسطامی نام برده شده که به لحاظ نام همتایی ندارد.

#### ۴. شاعران شناخته‌شده در مجمع‌الشعرا

##### ۴-۱. خیالی بخاری

احمد بن موسی خیالی که یکی از معاصران و شاگردان خواجه عصمتی بخاری بوده است در سال ۸۵۰ بدرود حیات گفت. دیوانش به ۲۰۰۰ بیت می‌رسد و از آن در ایران و خارج نسخی موجود است. غزل معروفش با این بیت آغاز می‌شود:

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه      خلقی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

(دولت‌شاه سمرقندی، ۸۹۲ق: ۳۹۳)

او در وصف استادش عصمت بخاری هم قصیده‌ای دارد.

##### ۴-۲. بساطی سمرقندی

مولانا سراج‌الدین بساطی در دوران سلطنت خلیل بن امیر انشان گورکانی در سمرقند ظهور کرد و چون در آغاز کار، پیشه حصیربافی داشت، حصیری تخلص کرد ولیکن به

اشاره عصمت بخاری آن تخلص را به بساطی مبدل ساخت. وفاتش در ۸۸ سالگی و در ۱۷ رجب سال ۸۱۴ بوده است. دیوان قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات و معنیات او در کتابخانه ملی پاریس همراه با دیوان خیالی دیده شده است (به شماره Supplement 1910) (صفا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۴۵۶).

#### ۳-۴. امیر شاهی

امیر آق ملک بن جمال‌الدین فیروزکوهی سبزواری متخلص به شاهی از غزل‌سرایان معروف قرن نهم هجری که نیاکانش از امرای سربداری و بر مذهب تشیع بوده‌اند (سمرقندی، ۸۹۲ق: ۴۸۰) قاضی نورالله گفته است: «تخلص شاهی به علت ارادت شاعر به شاه ولایت، یعنی حضرت علی<sup>(ع)</sup> است که شاید به قولی درست نباشد» (شوشتری، ۱۳۵۴: ۱۷۱). اشعار او را ناقدان پیش همگی سروده‌اند و آن‌ها را به استواری، رقت معانی، دقت مضامین برگزیده‌اش و انتخاب الفاظ و ابیات وصف کرده‌اند. دولت‌شاه سمرقندی درباره شعر او معتقد است که سوز خسرو و لطافت حسن و نازکی‌های کمال و صفای سخن حافظ در کلام امیرشاهی جمع است. غزلیات عاشقانه امیرشاهی قسمتی از غزل‌های خواجه و نزدیک به تمامی غزل‌های حافظ است. دیوان او در غزل‌ها و قطعات و رباعیاتش که چند بار در هند و ایران به طبع رسیده، بیش از ۱۰۰۰ بیت دارد (دولت‌شاه سمرقندی، ۸۹۲ق: ۴۸۵).

#### ۴-۴. آذری

شیخ فخرالدین حمزة بن علی ملک طوسی اسفراینی بیهقی متخلص به آذری از مشاهیر و شعرای قرن نهم هجری است. وی بخشی از روزگار خود را در هند و بیشتر در ایران سپری کرده است. بنا بر قول خود او در پاسخ الغریبک میرزا گفته: چون در ماه آذر زاده شده بود خود را آذری نامید (صفا، ۱۳۶۶: ج ۴، ۳۲۴). از آثار او دیوان بهمن خاصه (قصاید در مدح شاه و تعریف شهود و عمارات) است. آثار آذری به نظم و نثر عبارت است از:

۱. دیوان اشعار مشتمل بر قصیده، غزل، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، قطعه و رباعی که مجموع آن‌ها پنج هزار بیت است. ۲. اثر منظوم *بهمن‌نامه* (در شرح سلطنت سلاطین دکن) در بحر متقارب و از منظومه‌های حماسی تاریخی است که به پیروی از فردوسی ساخته شده است. ۳. کتاب منظوم (*عجائب‌الغرائب*) که منظومه‌ای از متفرعات در ذکر عجایب بلاد و نواحی از چشمه‌ها و عمارات و حیوانات و طیور است (شیرازی، ۱۳۵۲: ج ۳، ۵۱۳-۵۱۷). ۴. *جواهرالاسرار* که به سال ۸۴۰ تألیف شده، در چهار باب و هر باب به چند فصل تقسیم شده که در آن‌ها اسرار عرفانی، قرآن کریم، احادیث نبوی و کلام مشایخ تصوف آورده شده و آذری آیات مشکل آن‌ها را شرح کرده است. ۵. *سعی‌الصفا* در ذکر مناسک حج و طغرای همایون. آذری در غزل‌های سرگرم جواب‌گویی به غزل‌های استادان قرن هفتم و هشتم مانند سعدی، امیرخسرو و حسن دهلوی و حافظ است. غزل‌های اگرچه ظاهری عاشقانه دارند، مشتمل بر اندیشه‌های عرفانی و گاه متضمن طامات است. در قصایدش معانی حکمی و عرفانی و توجه به لغت و منقبت دیده می‌شود و اعتقاد مذهبی تشیع اثنی‌عشری بر آثارش مایه افکنده است.

#### ۴-۴. عصمت نجاری (نصیری)

خواجه فخرالدین *عصمة‌الله* بن نجاری از دانشمندان و شاعران اوایل عهد تیموری است. او در *ماوراءالنهر* شهرت تمام داشته و در فنون علم معقول و وفور وقوف بر اصناف منقول مفاخرت برافراشته و خصوصاً در علم ریاضی و تاریخ و انشا و فن شعر عروض و معما سرآمد فضلامی عصر بوده و در املا و رسایل در آن فنون اظهار قدرت نموده است. از شاعران هم‌عهد او کسانی مانند سراج‌الدین بساطی سمرقندی و خیالی نجاری (۸۷۰ م) و خواجه رستم خوریانی (۸۳۴ م) و طاهر ابیوردی از شاعران مشهور عهد خود شدند (صفا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۲۸۷). نجاری عمدتاً در تذکرها به نام خود یعنی «عصمت» (*عصمة‌الله*) شهرت دارد و چنان است که گویی تخلص و عنوان شعری اوست. وی در اشعارش صورت

کوتاه شده اسم خود را در پایان اشعارش ذکر می نمود؛ لیکن لقب شعری و تخلصش نصیری است و او تخلص خود را از لقب نخستین ممدوحش نصیرالدین خلیل نواده تیمور برداشته است. برخی تصور کرده اند که این شاعر در قصاید خود نصیری و در باقی اشعار عصمت تخلص کرده است؛ مثلاً در غزلیاتش (کاشی، ۱۳۸۴: ۳۱۲) تاریخ وفاتش را دولت شاه سال ۸۲۹ نوشته است (سمرقندی، ۸۹۲ق: ۴۰۳).

**عصمت از حب علی چون مست گشتی دم به دم**

تا به قیامت گرد این گلشن نوا باید زد

(همان: ۴۰۲)

مذهب او تشیع یا متمایل به تشیع است و این از بعضی از اشعار او مستفاد می شود. این شاعر قصایدی در حمد و ستایش باری تعالی، نعت رسول اکرم (ص) و ذکر مناقب حضرت علی و آل علی (ع) دارد. اشعار او را ۷۵۰۰ بیت دانسته اند (نفیسی، ۱۳۴۴: ۲۹۶). شهرت او بیشتر مرهون غزلیات عاشقانه و عارفانه لطیف اوست.

**۵-۴. نعیمی استرآبادی (حروفی)**

فضل الله نعیمی متخلص به حروفی در سال ۷۴۰ق در استرآباد متولد شد (تربیت، ۱۳۱۴: ۳۸۶). برخی پدرش را مردی صوفی مشرب و قاضی القضاات استرآباد دانستند (آغاز فرقه حروفیه، ریتز: ص ۴۳) و گروهی نیز شغل او را کفاشی گفتند (نفیسی، ۱۳۴۴: ۷۹۴). فضل الله از آغاز جوانی پیوسته به خواندن و نوشتن اشتغال داشت و نخستین مکاشفات عرفانی خود را در همین زمان تجربه کرد. او در هجده سالگی ترک دیار کرد و برای یافتن حقیقت رهسپار اصفهان گردید (نسیمی، ۱۳۷۲: مقدمه). نعیمی از این زمان تا آخر عمر به نقاط مختلفی چون مکه، خراسان، خوارزم، اصفهان، دامغان، باکو، تبریز، حویزه و... سفر کرد و در نهایت در سال ۷۸۸ق علم حروف را مطرح نمود (گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۳). او به سال ۷۹۶ق به فتوای تعدادی از علمای زمان و به دستور میرانشاه فرزند تیمور گورکانی به قتل رسید (ریتز، بی تا: ۴۳). از

فضل الله هشت اثر باقی مانده است که عبارت‌اند از: *جاویدان‌نامه*، *محبت‌نامه*، *نوم‌نامه*، *نونامه*، *وصیت‌نامه*، *آفاق و انفس*، *عرش‌نامه الهی* و *دیوان اشعار* (کیا، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۶).

دیوان اشعار معروف‌ترین و محبوب‌ترین اثر فضل الله نعیمی است. دلیل این موضوع زبان پرشور و ابیات خوش‌آهنگ و ساده آن است. این مجموعه ۶۲۲ بیتی غزلیات، مثنوی‌ها، مقطعات، ترجیعات، رباعیات و مفرداتی را شامل می‌شود که شاعر در آن با تخلص نعیمی و گاهی نعیم‌ا به بیان موضوعات مورد نظرش پرداخته است. فضل الله نعیمی از سخن‌سرایان سبک عراقی بوده و به شاعران این دوره توجه ویژه‌ای داشته است. در میان شاعران متقدم، مولوی بیشترین تأثیر را بر سخن‌شاعر گذاشته است؛ به طوری که برخی از اشعار وی در دیوان مولانا وارد شده است؛ مثلاً غزلی با مطلع زیر هم در نسخ اشعار مولوی و هم در نسخه‌های دیوان فضل الله دیده می‌شود، درحالی‌که بر اساس تصریح بیت تخلص این غزل، در تعلقش به نعیمی شکی نیست:

بر قدسیان آسمان من هر شبی یا هو زخم      گر صوفی از لا دم زند من دم ز الا هو زخم  
(برگ ۱۱ ب، بیت ۷)

نگاه حماسی به مضامین عرفان، تکرار و ارتباط موسیقایی قوی میان حروف و کلمات مهم‌ترین تأثیرات مولوی بر سخن‌نعیمی است. افزون بر مولوی، سنایی، عطار و حافظ نیز مورد توجه حروفی بوده‌اند.

هنگامی که سخن از وضع دینی عهد تیموری در آن دوران می‌رود، ذکر فرقه حروفیه اهمیتی خاص پیدا می‌کند. مؤسس این فرقه فضل الله نعیمی استرآبادی است و به اهمیتی که در بیان رموز به حروف داده، به اسماعیلیه نزدیکی‌هایی دارد و یک دبستان فلسفی و دینی جدید است (صفا، ۱۳۶۶: ۶۱-۶۹). علت اشتباه استرآبادی به حروفی آن است که او فیض هستی را که از ذات خالق سرچشمه می‌گیرد، به نطق یا کلام و سرّیان آن‌ها را در موجودات به «حرف» تعبیر کرده و هریک از سی دو حرف الفبای را جلوه‌ای از جلوه‌های وجود



شمرده و اجتماع یا ترکیب هر چندتا از آن‌ها را منشأ ترکیبات صورت و هیولی و پیدایی جسمانی اشیاء دانسته است (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۴۳). استرآبادی که پیشتاز مذهب حروفیه بود، مذهب خود را در عهد تیمور افشا کرد تا آنکه به فرمان جلال‌الدین میرانشاه پسر تیمور، که حروفیان او را «مارانشاه» لقب دادند، کشته و سوزانیده شد. با وجود سختگیری تیموریان نسبت به فضل‌الله و پیروانش هنوز پیروان مقتدری از او در ایران به سر می‌بردند. آن‌ها ظاهراً مدعی تشیع بودند و هستند و خود را پیرو مذهب جعفری می‌دانند. «حروفیه با فلاسفه مخالفت شدید داشته، آنان را به انواع دشنام‌ها در آثار خود طرد کرده‌اند. به عقیده حروفیان انسان «کون جامع» و نسخه کبرای خلقت است. او برزخ کبری است یعنی از راه شناخت انسان است که می‌توان به شناخت حق نائل شد و باز از این فراتر رفته می‌گوید خداوند در هیئت آدم جلوه کرد و به همین سبب فرشتگان را فرمان داد تا بر او نماز بردند و ابلیس که چنین نکرد، منغبض و مطرود شد» (جوادی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۶). استرآبادی را حروفیه شهید اعلی یا ذبح اعظم لقب داده‌اند (آژند، ۱۳۶۹: ۷۸) و آخرین حرف حروفیه آن است که یعنی فضل‌الله، خدا بود، خدای خالق نمود و ظلمت و خدای عالم... و این مذهب خود را در آغاز قرن نهم پی افکند ولی شهرت و رواج طریقه او به قرن دهم هم کشید. از جمله شاعرانی که در این جنگ جز این فرقه می‌باشند، کمال هاشمی و احتمالاً همان کسی است که دست‌نوشته‌های جاودان‌نامه را بازنویسی و تدوین کرده است.

## ۵. شاعران ناشناس در جنگ

### ۱-۵. یحیی قانی

یکی از شاعرانی که تعداد قابل توجهی از اشعار وی در جنگ مجمع‌الشعرا امیر رستم خوریانی آورده شده، «یحیی قانی» متخلص به یحیی قانی است که با توجه به اشعارش، یکی از گویندگان توانای زمان خود بوده و تاکنون در باب وی و اشعارش پژوهش و

تصحیحی انجام نشده است. متأسفانه در کتاب‌های تذکره از جمله فرهنگ سخنوران، مجمع‌الفصحا، ریاض‌العارفین، تاریخ نظم و نثر فارسی، عرفات‌العاشقین، طبقات اعلام الشیعه، طبقات‌الاطبا، تذکره نفایس‌المآثر و... هیچ‌گونه اشاره‌ای حتی به نام وی نشده و بنابراین اطلاعی از زندگی و زمان تولد و مرگ وی در دست نیست. از آنجا که مجمع‌الشعرا امیر رستم خوریانی در قرن نهم گردآوری شده و امیر رستم بعد از نام وی اصطلاح «نور مَرَقْدَهُ وَ نَوْرَ اللّٰهُ رَوْحَهُ» را آورده است، به نظر می‌رسد در آن زمان در قید حیات نبوده و دوره زندگی وی اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم است. همچنین وی طبیب بوده و امیر رستم بیشتر مواقع از وی به نام مولانا یحیی قانی طبیب یاد می‌کند و خودش نیز در پاره‌ای از اشعارش به طب و طبابت خویش اشاره می‌کند:

در حسرت شهد لب تو یحیی قانی      چون نرگس پرشور تو بیمار طبیست

(خوریانی: بیت ۱۱، ص ۱۱۶)

یحیی قانی از چه دعوی ز طب کند لیک      هستش غم تو دردی در جان خسته بسته

(همان: ب ۲۵، ص ۴۳۳)

با توجه به ابیات موجود در این جُنگ گویا یحیی قانی ده سال در عشق زیبارویی بوده است:

حاصل ده‌ساله را از لشکر عشقت مگر      کرد در تحویل من مستوفی دیوان هجر

(همان: ب ۳۶، ص ۲۵۴)

و تنها در یک غزل از اقبال خود در رسیدن به معشوق سخن می‌گوید:

مرحبا ای لب لعل تو دواى جانم      زلف و ابروی کژت قبله‌گه و ایمانم

(همان: ب ۲۹، ص ۳۵۰)

دولتم باز مساعد شد و اقبال رفیق      که رسیدست چو تو سرو قدی مهمانم

(همان: ب ۳۰، ص ۳۵۰)

در بیت زیر خطاب به معشوق شکوه می‌کند که چرا مدتی از من یاد نکرده است:  
مدتی شد که ز من یاد نکردی ز چه روی      برشکستی چو سر زلف همه پیمانم  
(همان: ب ۳۹، ص ۳۵۰)

و در غزلی دیگر می‌گوید:  
گفتم ز جور غمزه شوخ ستمگرت      ای شهریار حسن به جان داد می‌کنم  
(همان: ب ۱۳، ص ۳۵۱)

با توجه به اشعارش شاعر در دوره‌ای از زندگی خود دچار فقر و تنگدستی شده و معشوق به سبب فقر او از وی رویگردان شده است:

چون شدم بی زر یقین دادم که از روی طمع      از من بیچاره دل بیزار خواهی داشتن  
(همان: ب ۲۴، ص ۳۸۸)

همچنین به نظر می‌رسد که وی سنی‌مذهب بوده است و در قصیده‌ای که در نعت پیامبر<sup>(ص)</sup> سروده از مونس اول سخن می‌گوید که منظور شاعر ابوبکر است. ولی قسمتی از شعر که به نظر می‌رسد کلمه «یار»، «غار» باشد، محو شده است:

مونس اول سپهر صدق احمد مران تقی      آنک در راه صداقت مصطفاست  
(همان: ب ۱۴، ص ۴۶۴)

عبارت «احمد مران تقی» هم بعد از محو شدن این قسمت جایگزین شده است. همچنین آمده است:

همدم ثانی جهان غیرت و تقوا      آنک درد ظلم را از شربت عدلش دواست  
(همان: ب ۱۷، ص ۴۶۴)

که با توجه به همدم ثانی و کلمه عدل به نظر می‌رسد کلمه محوشده «عمر» باشد. یحیی قانی از حضرت علی<sup>(ع)</sup> با عنوان «محرم رابع» سخن می‌گوید:

محرم رابع شه مردان عالم بی‌ریا      آنک داماد نبی مرسل و شیر خداست  
(همان: ب ۲۳، ص ۴۶۴)

البته در مورد حضرت علی<sup>(ع)</sup> بسیار مفصل سروده است و هل اُتی را آورده:  
آن سرافرازی که نه چرخش بود زیر قدم      آنک اندر شأن او از حق ندای هل اُتی است  
(همان: ب ۲۸، ص ۴۶۴)

سعدی نیز با وجود سنی‌مذهب بودن درباره حضرت علی<sup>(ع)</sup> چنین می‌گوید:  
کس را چه زور و زهره که وصف علی کند      جبار در مناقب او گفت هل اُتی  
(کلیات سعدی، بیت ۸۷، قصیده ۱)

البته این ابیات نمی‌تواند دلیل شیعی بودن قانی باشد؛ زیرا «در قرن نهم عواملی همچون توجه بیش از حد تیمور به مذهب و آزاد گذاشتن مسلمانان، منقبت اهل بیت از رایج‌ترین مضمون‌های شعری شد و در این دوره کمتر شاعری است که صفحاتی از دیوانش را به این مضمون اختصاص نداده باشد» (بهار، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۸۳).

## ۲-۵. کمال هاشمی

از دیگر شاعران ناشناخته در این جُنگ، کمال هاشمی است که امیر رستم خوریانی در مجمع‌الشعرا اشعاری از وی آورده است و در ابتدا برای معرفی شاعر بعد از ذکر نام کمال هاشمی عباراتی مانند «نور الله روحه» آورده که نشان می‌دهد وی در زمان تألیف کتاب در قید حیات نبوده است. متأسفانه در تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات، نامی از کمال هاشمی نیامده اما در این جُنگ نزدیک به ۶۰۰ بیت از اشعار وی باقی مانده است. کمال هاشمی از جمله شاعران فرقه حروفیه است. این فرقه توسط فضل‌الله نعیمی استرآبادی (معروف به فضل‌الله حروفی) که در نیمه دوم قرن هشتم هجری می‌زیسته، پایه‌گذاری شد و در مدت کوتاهی، از شمال خراسان و حاشیه دریای مازندران تا فارس و اصفهان و از آذربایجان تا عراق و سوریه و آناتولی پیروانی یافت. کمال «یکی از مریدان نزدیک فضل‌الله استرآبادی و از محارم خلوت‌سرای او بوده است، وی نه تن خلیفه برای خود معین کرده که چهار تن از ایشان محرم اسرار بودند:

محرم خلوت‌سرای همدلی  
چون وصیت کرد و گفت اینک کتاب  
مجد و محمود و کمال هاشمی  
بوالحسن دان چار او را بازیاب  
(تربیت، ۱۳۱۴: ۳۸۲)

هلموت ریتر درباره کمال هاشمی چنین می‌گوید: «وی یکی از چهار تن همدمان نزدیک فضل‌الله استرآبادی بوده و در یکی دیگر از نوشته‌های حروفی، که در تصرف من است و امیدوارم در فرصت دیگری به توصیف آن توفیق یابم، ورق b ۲ از این شخص به‌عنوان خلیفه چهارم یاد شده است» (آغاز فرقه حروفیه، ریتر: ۳۵۱). «کمال هاشمی یا کمال‌الدین هاشمی یا هاشمیه همان کسی است که دست‌نوشته‌های جاودان‌نامه را بازنویسی و تدوین کرده است» (گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۱۸).

از کمال هاشمی اول عیان  
در کتابت شد کتاب جاودان  
آفرین بر جان استاد کلام  
از علی آن بنده فی ضاد و لام  
(بانگ، ۱۳۸۸: ۶۰۳)

در میان اشعار موجود از کمال هاشمی در نسخه مجمع‌الشعرا که اساس کار ما در این پژوهش قرار گرفته، اشعاری در قالب غزل و قصیده با تخلص هاشمی آمده است؛ غزل‌هایی با مضامین عارفانه و عاشقانه و قصیده‌هایی با مضمون‌های حمد خداوند، نعت رسول (ص) و موعظه. در میان ابیات موجود، تعداد قابل توجهی از ابیات جنبه تعلیمی و اخلاقی دارد. کمال هاشمی همانند دیگر شاعران فارسی‌زبان، به‌ندرت به ارائه مستقیم پند و اندرز در آثار خود، توجه داشته و بیشتر کوشیده است نظریه‌های اخلاقی و فلسفی را به‌گونه‌ای ارائه کند که برای مخاطبان تا حد امکان قابل فهم باشد. در واقع، این شاعر شعر خود را وسیله‌ای برای بیان عقاید و افکار و اندیشه‌های والای انسانی قرار داده است و همان‌گونه که پرداختن به تعلیم و تعلم در اشعار شاعران فارسی نمود ویژه‌ای دارد، هاشمی نیز از این قابلیت شعر در حوزه تعلیم و اخلاق برای بیان تعالیم خود بهره برده است.

کمال هاشمی درباره ضرورت خودشناسی می‌گوید: اگر می‌خواهی خداوند را بشناسی اول خودت را بشناس که بعد از آن اسرار و معماها بر تو روشن می‌شود و اگر چنین نکنی فردا حسرت می‌خوری، هرچند غایت نهایی شناخت پروردگار است؛ همان گونه که «از دیدگاه عارفان تنها راه یا حداقل صحیح‌ترین راه شناخت، همانا شناخت خویش است» (کاکائی، ۱۳۸۲: ۲۷۹).

بشناس تو خود را چو شناسای خدایی	روشن شودت خواجه مرین سر و معما
ور زانک در این جهل بماندی تو از امروز	ای بس که به دندان بری انگشت تو فردا
اینست ره حق که بیان هاشمیت کرد	وَاللّٰهُ شَهِيْدٌ وَّكَفٰى اللّٰهُ

(خوربانی، ب ۳۱-۳۳: ص ۳۲)

باید یادآور شد که بیت اول در دیوان عمادالدین نسیمی با اندکی اختلاف آمده ولی بقیه ابیات در شعر کمال هاشمی و نسیمی متفاوت است. البته از نظر محتوایی هر دو شعر مضمونی یکسان دارند. «عمادالدین نسیمی نیز یکی از خلفای فضل‌الله استرآبادی است که جان بر سر اهداف و آمال حروفیه نهاد. وی در نخستین سال‌های فعالیت ادبی‌اش "هاشمی" و "سید" تخلص داشت که غیر از کمال هاشمی است و مدتی با تخلص "حسینی" شعر سرود. وی در اواخر عمر، زمانی که با فضل‌الله حروفی آشنا شد و به فرقه حروفیه گروید، تخلص "نسیمی" را برگزید و در این دوره گرایش‌های عرفانی و الهی در اشعارش با شدت بیشتری نمایان گردیده است» (ورداسپی، ۱۳۵۷: ۴۵).

## ۶. نتیجه‌گیری

مجمع‌الشعرا جُنْگِی است که خواجه رستم خوربانی بسطامی متخلص به رستم در قرن نهم گردآوری کرده است. این نسخه ارزشمند که تاکنون تصحیحی از آن صورت نگرفته، مربوط به دوره تیموری است و ۲۵۸۰۰ بیت دارد که در آن، اشعاری از شاعران مختلف در قالب‌هایی چون غزل، قصیده، مثنوی و رباعی گردآوری شده است. در این اثر، اشعاری از

بیش از ۴۴ شاعر نامی و گمنام آورده شده است که شناخت شاعران ناشناس و گمنام و دست یافتن به اشعار گم شده یا مغفول مانده آنها در این نسخه اهمیت بسزایی دارد. از سویی دیگر، در این پژوهش از شاعرانی نام برده شده است که شعر هیچ یک از آنها مورد تصحیح قرار نگرفته و چاپ نشده است. از جمله شاعران ناشناخته در نسخه مجمع الشعرا یحیی قانی است. مولانا یحیی قانی طبیب از شاعران خوش قریحه و توانایی است که در زمره شاعران ناشناخته ایرانی محسوب می شود. وی علاوه بر اینکه شاعری توانا بوده، طبیب نیز بوده و در پاره ای از اشعارش به طب و طبابت خویش اشاره کرده است. کمال الدین هاشمی یکی دیگر از شاعران ناشناس این نسخه، در قرن هشتم هجری می زیسته و از جمله شاعران فرقه حروفیه بوده است. کمال هاشمی نخستین کاتب کتاب جاویدان نامه است. این کتاب در بردارنده عقاید فضل الله استرآبادی درباره فرقه حروفیه است. نکته قابل توجه دیگر اینکه در این نسخه به شاعرانی برمی خوریم که جزء فرقیه حروفیه هستند و به سبب معرفی و شناسایی عقاید فکری و مرامی و نیز تأثیرپذیری از گذشتگان به ویژه شاعران بزرگی چون مولانا، سعدی و حافظ حائز اهمیت هستند. فضل الله نعیمی استرآبادی متخلص به حروفی از جمله این شاعران است که مذهب خود را در دوره تیموری افشا کرد و پیروان و مریدان بسیاری در حلقه او وارد شدند.

### منابع

۱. آژند، یعقوب (۱۳۶۹)، *حروفیه در تاریخ*، تهران: نشر نی.
۲. انوری ابیوردی، محمد بن محمد (۱۳۷۶)، *شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوردی*، به کوشش سید جعفر شهیدی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳. بانگ، عاطفه (۱۳۸۸)، «نسخه شناسی آثار حروفیان در کتابخانه مجلس»، *پیام بهارستان*، سال اول، شماره ۳، ۲۸۰-۳۰۹.

۴. بهار، محمدتقی (۱۳۷۲)، *سبک‌شناسی بهار*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. محمدعلی، تربیت (۱۳۱۴)، *دانشمندان آذربایجان*، تهران: کتابخانه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. جوادی‌زاده، زهرا بیگم (۱۳۸۲)، «زندگی‌نامه فضل‌الله نعیمی و جنبش حروفیه»، *مجله پژوهشی در خرد*، سال اول، شماره ۲، ۵۶-۵۹.
۷. خوریانی، رستم (۱۳۹۲ق)، *مجمع‌الشعرا*، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۳۰.
۸. خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۶۸)، *فرهنگ سخنوران*، ج ۱، تهران: طلایه.
۹. درایتی، مصطفی (۱۳۸۶)، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۰. — (۱۳۹۰)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، ج ۲۸، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. دولت‌شاه سمرقندی، دولت‌شاه بن بختیشاه (ف ۹۰۰ ق)، *تذکره‌الشعرا*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تألیف ۱۳۹۲ق، مورخ ۱۳۹۲ق.
۱۲. ریتر، هلموت (بی‌تا)، *آغاز فرقه حروفیه*، ترجمه حشمت مؤید.
۱۳. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر.
۱۴. سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۹۶)، *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، ج ۱۱، تهران: ققنوس.
۱۵. شفیعیون، سعید (۱۳۹۳)، «گذری دیگرگون بر تذکره‌های ادبی»، *نشریه فنون ادبی*، شماره ۱۱، ۸۵-۱۰۴.
۱۶. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴)، *مجالس‌المؤمنین*، به کوشش کتابچی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.



۱۷. شیرازی، ضیاءالدین بن یوسف (۱۳۵۲)، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران: مجلس شورای ملی.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: نشر فردوس.
۱۹. عظیمی، میلاد (۱۳۸۹)، سفینه و بیاض و جنگ مقاله‌های ایرج افشار، تهران: سخن.
۲۰. کاشی، تقی‌الدین (۱۳۸۴)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار، چاپ عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران.
۲۱. کاکائی، قاسم (۱۳۸۲)، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت، تهران: انتشارات هرمس.
۲۲. کیا، محمدصادق (۱۳۹۱)، واژه‌نامه گرگانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۴)، فهرست متون حروفیه، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. مایل‌هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. مُسیبی، مُنیره (۱۳۹۵)، بررسی و تحقیق مجمع‌الشعرا اثر امیر رستم خوریانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد.
۲۶. نسیمی، عمادالدین (۱۳۷۲)، زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی، تصحیح یدالله جلالی‌پندری، تهران: نی.
۲۷. نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران: فروغی.
۲۸. ورداسپی، ابوذر (۱۳۵۷)، سرخ‌جامگان و نمدپوشان، تهران: انتشارات پیوند.